

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۷ فبروری ۲۰۲۲

در باره زندگی رفیق شهید خسرو پناهی

در باره زندگی رفیق شهید
خسرو پناهی



چریک فدائی خلق رفیق خسرو پناهی در سال ۱۳۳۱ در روستای «توت شامی گوران» از توابع کرمانشاه متولد شد.

چریک فدائی خلق رفیق خسرو پناهی در سال ۱۳۳۱ در روستای «توت شامی گوران» از توابع کرمانشاه متولد شد. در کودکی پدرش را از دست داد و دوران کودکی را در تنگدستی و فقر گذراند. شرایط تنگدستی خانواده باعث شد که رفیق خسرو از همان دوران نو جوانی با کار آشنا شده و برای کمک به خانواده به هر شغلی متوسل گردد. امری که باعث شد وی شناخت عینی و ملموسی از محیط های کار و برخوردهای ستمگرانه کارفرمایان کسب کند. تنگدستی و فقر خانواده و کار از دوران نوجوانی، به طور طبیعی در شکل گیری شخصیت انقلابی وی تأثیر خود را بر جای گذاشت و به همین دلیل هم در تمام زندگی، دوست و حامی ستمدیدگان و بی چیزان و مخالف و دشمن سرسخت غارتگران و زورگویان سرمایه دار شده بود. به رغم شرایط نامساعد مالی خانواده اما رفیق خسرو از تحصیل باز نماند و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در کرمانشاه و تهران به پایان رساند. پس از گرفتن دیپلم برای ادامه تحصیل به مدرسه عالی ورزش رفت.

با توجه به علاقه اش به ورزش که رشته تحصیلی اش نیز گواهی بر این امر بود و استعداد های فراوانش در این زمینه در سالهای ۵۴ و ۵۶ به ترتیب در مسابقات وزنه برداری جوانان کشور و دانشگاه های کشور نفر اول شد. دوران دانشجویی اش همزمان شده بود با آغاز و اوج گیری جنبش مسلحانه که شدیداً از سوی دانشجویان مورد حمایت قرار گرفته بود. رفیق خسرو در چنین شرایطی همراه با تعداد دیگری از دانشجویان ضمن فعالیت های فوق برنامه دانشجویی از سازمان چریکهای فدائی خلق حمایت می کرد. در مدرسه عالی ورزش در سال ۱۳۵۲ در سازماندهی اولین اعتصاب نقش مهمی داشت و در تظاهرات شانزده آذر [فوس] ۱۳۵۶ دانشجویان نیز فعالانه شرکت داشت. در سال ۵۶ ایران کم کم به سوی یک انقلاب به پیش می رفت. انقلابی که در سال ۵۷ سراسر کشور را فراگرفت. حضور میلیونی مردم در خیابانها کاملاً شرایط سیاسی کشور را دگرگون نموده بود به همین دلیل هم وقتی در سال ۵۷ از سوی ساواک دستگیر شد خیلی زود آزادی خود را به دست آورد.

رفیق خسرو پس از پایان دوره تحصیلی از رفتن به سربازی امتناع ورزید و هر چه فعالانه تر به سیل خروشان انقلاب خلقهای ایران پیوست. او در آن روزهای پر شور، همواره یکی از سازماندندگان توده های مردم در تهران بود. انقلاب آن سالها که یکی از خصوصیاتش شرکت وسیع توده ها در آن بود با این که از فقدان رهبری در رنج بود اما هر روز اوج تازه ای می گرفت؛ تا این که در نقطه اوجش به قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن [دلو] رسید. قیامی که دار و دسته خمینی در مقابلش ایستادند و در خیابانها ایادی شان فریاد می زدند "امام هنوز دستور جهاد نداده است!" اما به رغم همه این ترفند ها رفیق خسرو فعالانه در قیام شرکت نمود و تا حد توانش سعی کرد مردم را نیز به این قیام دعوت نماید. سرانجام چریک فدائی خلق رفیق خسرو در بیست و دوم بهمن [دلو] سال ۵۷ در طی قیام شکوهمند توده ها در جریان حمله به کلانتری ۶ خیابان گرگان تهران، آن هنگام که کلانتری چون دژی استوار می نمود و از سوی ارتش و گارد شهربانی محافظت می شد و از پنجره های همیشه تاریک آن به سوی مردم رگبار گلوله روان بود، با اسلحه کمری خود و چند نارنجک آماده در مقابل چشمان مضطرب توده های مردم جسورانه به درون کلانتری پرید و تنی چند از مزدوران رژیم مزدور را به خاک و خون افکند و خود نیز با رگبار مسلسل مزدوران وابسته به امپریالیسم به شهادت رسید. مزدوران قلبش - که همواره به خاطر مردمش می تپید- را نشانه گرفته بودند. بدین ترتیب با توقف تپش های قلب خسرو در قیام مردمی، این رفیق، آخرین صحنه مبارزه قهرمانانه زندگی اش را نیز دلاورانه به پایان رساند. با مرگ قهرمانانه رفیق خسرو پناهی، طبقه کارگر یکی از رزمندگان دلاور خود و چریکهای فدائی خلق نیز این یار فراموش نشدنی شان را برای همیشه از دست دادند. اما هرگز خاطره دلاوری های وی را از یاد نخواهند برد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!